

درباره ی وحدت جبهه ی پرولتری

۱- جنبش بین المللی در حال حاضر از یک دوره ی انتقالی می گذرد. این دوره ی انتقالی مسائل تاکتیکی مهم و جدیدی در برابر انترناسیونال کمونیست و بخش های آن قرار می دهد.

این دوره اساساً با خصوصیات زیر مشخص می شود:

بحران اقتصاد جهانی وخیم تر می شود. بیکاری افزایش می یابد، و تقریباً در تمام کشورها، سرمایه ی بین المللی حمله ی شیوه داری علیه طبقه ی کارگر به راه انداخته، که هدف آن، همان طور که خودشان اقرار دارند، قبل از هر چیز کاهش دستمزدها و تقلیل شرایط زنده گی کارگران است. ورشکسته کی معاهده ی صلح ورسای روز به روز بر توده ی زحمت کش عیان تر می شود. واضح است که اگر پرولتاریای بین المللی نتواند رژیم بورژوائی را منهدم کند، دیری نخواهد گذشت که یک یا حتی چند جنگ امپریالیستی به وقوع پیوندد، این چیزی است کنفرانس واشنگتن با فصاحت اثبات کرد.

۲- توهامات رفورمیستی که به خاطر شرایط مختلف از حمایت دوباره ی توده ی وسیع کارگران برخوردار شده بودند، در برابر حقایق تلخ حالا عواطف کاملاً متفاوتی را بر می انگیزند. توهامات دموکراتیک و رفورمیست که بعد از جنگ امپریالیستی دوباره در قشری از کارگران ممتاز و هم چنین در بین

عقب مانده ترین کارگران از نقطه نظر سیاسی راه پیدا کرده بودند، حتی قبل از این که بتوانند شکوفان شوند، از بین می روند. نتایج کارهای کنفرانس واشنگتن به این توهمات خاتمه خواهند داد. اگر شش ماه پیش، می توانستیم با یک بحث ظاهراً منطقی صحبت از نوعی تکامل توده های کارگر اروپا و آمریکا به جناح راست بکنیم، امروز دیگر نمی توانیم آغاز جهت گیری جدید به چپ را انکار کنیم.

۳- از طرف دیگر، تهاجم سرمایه داری، یک گرایش خود به خودی به طرف اتحاد را در توده های کارگر برانگیخته است که هیچ چیزی نمی تواند سد راه آن شود و این گرایش همراه است با افزایش اعتمادی که کمونیست ها نزد پرولتاریا از آن برخوردارند.

فقط امروزه است که محافل کارگری هر چه مهم تر، شروع به درک دلاوری پیشگام کمونیست کرده اند که مبارزه برای دفاع از منافع پرولتاریا را در زمانی آغاز کرد که هنوز توده های وسیعی در بی تفاوتی و حتی انزجار از کمونیزم به سر می برند. کارگران هر چه بیشتر متوجه این امر می شوند که کمونیست ها غالباً به قیمت از جان گذشته گی خیلی زیاد و در دشوارترین شرایط حقیقتاً از منافع اقتصادی و سیاسی کارگران دفاع کرده اند. و دوباره احترام و اعتماد نسبت به پیشگام سازش ناپذیر، که کمونیست ها باشند، جلب می شود. عقب مانده ترین کارگران بالاخره یا درک بیهودگی امیدهای رفورمیستی، متقاعد می شوند که رهائی از غارت گری سرمایه داری تنها از طریق مبارزه امکان پذیر است.

۴- احزاب کمونیست می توانند و می باید امروزه ثمره ی مبارزاتی را که آن ها چندی پیش در نامساعدترین شرایط، در میان بی تفاوتی توده ها، زنده

نگه داشتند، جمع آوری کنند. اما کارگران به خاطر افزایش اعتمادشان و جهت گیری به طرف سرسخت ترین عناصر، سلحشورترین از طبقه ی آن ها - یعنی به طرف کمونیست ها- بیش از همیشه گواهی بر خواست مقاومت ناپذیر اتحاد، می دهند. کم تجربه ترین قشرهای طبقه ی کارگر که از اکنون چشم هایشان به زنده گی فعال تری باز شده، ادغام تمام احزاب کارگری، یا در غیر این صورت تمام سازمان های پرولتری را در عالم رویا می بینند. آن ها امیدوارند که از این طریق ظرفیت مقاومتشان را در برابر فشار سرمایه داری افزایش دهند. کارگرانی که تا امروز نسبت به مبارزات سیاسی تقریباً بی علاقه بودند، می خواهند از این پس ارزش برنامه ی سیاسی رفورمیزم را با تجربه ی شخصی امتحان کنند. کارگرانی که متعلق به احزاب سوسیال-دموکرات قدیمی هستند، و این ها بخش مهمی از پرولتاریا را تشکیل می دهند، دیگر حمله ی افترا آمیز سوسیال-دموکرات ها و سانتریست ها را علیه کمونیست پیشگام تحمل نکرده، به علاوه درخواست وحدت با این پیشگام را آغاز می کنند. معذالک این کارگران هنوز از اعتقادات رفورمیستی کاملاً نبریده اند، و بسیاری از آن هانی که از انترناسیونال سوسیالیست و [انترناسیونالیست سوسیالیست] آمستردام پشتیبانی می کنند. بی شک درخواست هایشان هنوز به طور روشنی فرموله نشده، ولی مسلم است که آن ها قاطعانه در جهت ایجاد جبهه ی واحد پرولتری یعنی تشکیل بلوک مقتدر از احزاب انترناسیونال دوم و سندیکاهای آمستردام متحد با کمونیست ها حرکت می کنند. بلوک مقتدری که حمله ی اربابان در مقابل آن خرد خواهد شد. از این لحاظ این آرزوها نشان دهنده ی خود پیش رفت است، اعتقاد به رفورمیزم تقریباً از بین رفته است. در شرایط فعلی جنبش کارگری، هر کُنش

جدی، حتی اگر نقطه ی حرکتش مطالبات جزئی باشد، الزاماً توده ها را به طرح مسائل اساسی انقلاب سوق می دهد. پیشگام کمونیست فقط می تواند از تجربه ی اقبال جدید کارگران، که اینان توسط خودشان متقاعد به بهبودگی توهامات رفورمیستی و نتایج اسف انگیز سیاست سازش خواهند شد، سود ببرد.

۵- هنگامی که اعتراض سازمان یافته و آگاه کارگران علیه خیانت رهبری های انترناسیونال دوم آغاز شد، این رهبران مکانیزم سازمان های کارگری را در دست در اختیار داشتند. آن ها برای ساکت کردن بی رحمانه ی انقلابیون معترض و خرد کردن همه ی مقاومت هائی که مانع از قرار دادن تمام نیروهای پرولتری در اختیار امپریالیست های ملی می شد، به مطرح کردن اتحاد و نظم کارگری توسل جستند. بدین ترتیب جناح چپ انقلابی مجبور شد به هر قیمتی که شده آزادی تبلیغات اش را به دست آورد، تا خیانت ننگینی را که احزاب و سندیکاهائی که خود کارگران به وجود آورده بودند، مرتکب شده بودند - و هنوز هم می شدند- به توده های کارگر نشان دهد.

۶- امروزه احزاب کمونیست، بعد از این که مطمئن شده اند که از آزادی کامل تبلیغ برخوردارند، می کوشند تا در تمام کشورها اتحاد هر چه کامل تر توده های کارگری را در فعالیت عملی به تحقق رسانند. افراد [انترناسیونال سوسیالیست] آمستردام و انترناسیونال دوم هم درباره ی اتحاد موعظه می کنند، اما تمام اعمال شان نفی صحبت هایشان است. چون رفورمیست ها موفق نشدند اعتراضات، انتقادات و خواست های عمیق انقلابی را در سازمان ها خفه کنند، و به خاطر عطششان برای مصالحه، امروزه سعی دارند با پراکندن بذر آشفته گی و تفرقه بین کارگران و خراب کاری در مبارزات

آن‌ها از مخلصه‌ای که وارد آن شده‌اند، بیرون بیایند. یکی از مهم‌ترین وظایف احزاب کمونیست این است که در این موقعیت پرده از تکرار خیانت رفورمیست‌ها بردارند.

۷- تحول داخلی عمیقی که در طبقه‌ی کارگر اروپا و آمریکا در نتیجه‌ی شرایط اقتصادی جدید پرولتاریا به وجود آمد، حتی رهبران و دیپلمات‌های انترناسیونال سوسیالیست و انترناسیونال آمستردام را مجبور کرد که مسأله‌ی اتحاد کارگری را در رأس برنامه قرار دهند. هر چند برای کارگرانی که اخیراً به زنده‌گی آگاه سیاسی قدم گذاشته‌اند و هنوز بی تجربه هستند، شعار جبهه‌ی واحد بیان صادقانه‌ی خواست قرار دادن تمام نیروهای طبقه‌ی کارگر در مقابل حمله‌ی اربابان است، این شعار از جانب رهبران رفورمیست، چیزی جز انگیزه‌ی جدیدی برای اغفال کارگران و کشاندن آن‌ها به راه‌های قدیمی سازش طبقاتی نیست. قریب الوقوع بودن جنگ جدید امپریالیستی، مسابقه‌ی تسلیحاتی، معاهده‌های محرمانه‌ی جدید قدرت‌های امپریالیستی نه تنها رهبران انترناسیونال دوم، انترناسیونال دو و نیم و انترناسیونال آمستردام را بر آن نمی‌دارند که زنگ خطر را به صدا در آورند و به اتحادیه‌ی بین‌المللی طبقه‌ی کارگر حقیقتاً کمک کنند، بلکه [این عوامل] مطمئناً در بین رهبران انترناسیونال همان اختلافات شدیدی را ایجاد خواهند کرد که در بین بورژوازی بین‌المللی برانگیخته‌اند. این حقیقتی است هر چه بیشتر غیرقابل اجتناب، وقتی که وابسته‌گی "سوسیالیست"‌های رفورمیست به بورژوازی ملی "خودشان" پایه‌ی رفورمیسم را تشکیل می‌دهد.

این ها اوضاع عمومی ای هستند که در آن انترناسیونال کمونیست و بخش های آن باید نظرشان را نسبت به شعار وحدت جبهه ی کارگری مشخص سازند.

۸- با در نظر گرفتن همه ی جوانب، کمیته ی اجرایی انترناسیونال کمونیست معتقد است که شعار سومین کنگره ی انترناسیونال کمونیست: به طرف توده ها! و هم چنین منافع عمومی جنبش کمونیستی، ایجاب می کنند که انترناسیونال کمونیست و بخش های آن از شعار جبهه ی واحد پرولتری پشتیبانی کرده و ابتکار تحقق دادن به آن را درست بگیرند. تاکتیک احزاب کمونیست در هر کشور با در نظر گرفتن شرایط مخصوص آن کشور تعیین می شود.

۹- در آلمان، حزب کمونیست در آخرین اجلاسیه ی کمیته ی ملی خود، خود را موافق با جبهه ی واحد پرولتری اعلام کرد و حمایت از یک "حکومت واحد کارگری" را که آماده ی پیکار جدی با قدرت کاپیتالیستی باشد ممکن دانست. [کمیته] ی اجرایی انترناسیونال کمونیست این تصمیم را کاملاً تأیید می کند. زیرا که متقاعد شده که حزب کمونیست آلمان همراه با حفظ استقلال سیاسی خود می تواند بدین ترتیب در افشار وسیع تری از پرولتاریا نفوذ کرده و نفوذ کمونیستی را در آن ها تقویت کند. در آلمان، بیشتر از هر کجای دیگر توده های زیادی هر چه بهتر می فهمند که پیشگام کمونیست آن ها به حق از زمین گذاشتن اسلحه در سخت ترین لحظات اجتناب کرده و به درستی بیهودگی مطلق علاج های رفورمیستی را در شرایطی که فقط انقلاب پرولتری قادر به گره گشائی آن است، افشا کرده است. با ادامه ی این راه دیری نخواهد گذشت که حزب [کمونیست] آلمان کلیه ی عناصر آنارشیست و سندیکالیست

را که تا امروز خارج از مبارزه ی توده ها باقی مانده اند به خود جلب خواهد کرد.

۱۰- در فرانسه، حزب کمونیست در برگیرنده ی اکثریت کارگرانی است که از لحاظ سیاسی سازمان یافته اند. در نتیجه، مسأله ی جبهه ی واحد در این کشور صورت کمابیش متفاوتی با کشورهای دیگر به خود می گیرد. ولی در فرانسه هم، تمام مسئولیت گسیخته گی جبهه ی کارگران باید بر گردن رقبای ما بیفتد. جناح انقلابی سندیکالیزم فرانسه به درستی با انشعاب گری در سندیکاها می جنگد، و از اتحاد طبقه ی کارگر در مبارزه ی اقتصادی دفاع می کند. ولی این مبارزه در دروازه کارخانه خاتمه نمی یابد. و اتحاد علیه موج ارتجاع، علیه سیاست امپریالیستی و غیره از لزوم کمتری برخوردار نیست. سیاست رفورمیست ها و سانتریست ها، بعد از ایجاد انشعاب در حزب اکنون اتحاد جنبش سندیکائی را تهدید می کند. این نشان دهنده ی این است که **Jouhaux** هم مانند **Jean Longuet** در حقیقت خادم منافع بورژوازی است. شعار اتحاد سیاسی و اقتصادی جبهه ی پرولتری علیه بورژوازی بهترین وسیله برای عقیم کردن مانورهای انشعاب گرانه است.

خیانت های **C.G.T** [کنگره ی عمومی کارگران] رفورمیست که توسط **Jouhaux** و **Merrheim** هم دستان رهبری می شود، هر چه که باشند، کمونیست ها و به اتفاق آن ها تمام عناصر انقلابی طبقه ی کارگر فرانسه خود را مجبور خواهند دید که قبل از هر اعتصاب عمومی، قبل از هر تظاهر انقلابی، و قبل از هر عمل توده ای، به رفورمیست ها پیشنهاد کنند که در این عمل شرکت کنند، و به محض این که رفورمیست ها آن را رد کردند در مقابل طبقه ی کارگر نقاب از چهره ی آن ها بردارند. بدین ترتیب جلب توده های

کارگر غیرسیاسی برای ما آسان خواهد شد. لازم به توضیح نیست که این متد به هیچ وجه محدودیتی برای استقلال حزب کمونیست فرانسه ایجاد نمی کند. و مثلاً نباید در دوره ی انتخابات، حزب را درگیر پشتیبانی از "بلوک چپی" ها کند و یا حزب را وادار کند نسبت به "کمونیست های" مردم که هنوز برای انشعاب از سوسیال-پاتریت ها ابراز تأسف می کنند، نرمش زیاده از حدی از خود نشان دهد.

۱۱- در انگلستان، حزب رفورمیست کارگر، از قبول حزب کمونیست و هم چنین سایر سازمان های کارگری، درون خود امتناع کرده بود. ولی زیر فشار توده های کارگر که خواست های عمیقشان را [در بالا] نشان دادیم، سازمان های کارگری لندن رأی به پذیرش حزب کمونیست در حزب کارگر دادند.

از این لحاظ انگلستان واضحاً یک استثناء است. زیرا به خاطر شرایط مخصوص حزب کارگر در انگلستان شکل یک نوع ائتلافی را به خود گرفته که تمام سازمان های کارگری کشور را دربر می گیرد. حال وظیفه ی کمونیست هاست که از طریق یک کمپین مانند خواهان پذیرش خود درون حزب کارگر شوند. خیانت اخیر رهبری اتحادیه ها در اعتصاب معدن چیان، حمله ی کاپیتالیستی علیه دستمزدها و غیره، جوش و خروش قابل ملاحظه ای در پرولتاریای انگلیس برانگیخته است. کمونیست ها به هر قیمتی شده باید سعی کنند تا تحت شعار جبهه ی واحد پرولتری علیه بورژوازی درون توده های زحمت کش به عمیق ترین وجه ممکن نفوذ کنند.

۱۲- در ایتالیا، حزب جوان کمونیست که تا به حال روشی آشتی ناپذیر نسبت به حزب رفورمیستی سوسیالیست و رهبران سوسیال-خائن

کنفدراسیون عمومی کار اتخاذ کرده بود - و قطعاً خیانت این رهبران نسبت به انقلاب پرولتری امروزه تکمیل شده - معذک حزب کمونیست در برابر حمله ی اربابان، آغالش گری نیرومندی برای جبهه ی واحد پرولتری به راه انداخته. [کمیته ی] اجرائی [بین الملل کمونیست] این تاکتیک کمونیست های ایتالیا را کاملاً تأیید می کند و بر لزوم توسعه ی باز هم بیشتر این تاکتیک تأکید می گذارد. [کمیته ی] اجرائی معتقد است که اگر حزب کمونیست ایتالیا از خود بصیرت کافی نشان دهد، مظهر پیکار مارکسیستی برای انترناسیونال کمونیست خواهد شد. و همراه با تقبیح بی رحمانه ی تردیدها و خیانت های رفورمیست ها و سانتریست ها، خواهد توانست مبارزه هر چه نیرومندتری را در میان توده های کارگر برای جبهه ی واحد پرولتری علیه بورژوازی ادامه دهد.

واضح است که حزب [کمونیست] ایتالیا نباید از بذل هیچ کوششی در راه جلب عناصر انقلابی آنارشیزم و سندیکالیزم در عمل مشترک، کوتاهی کند.

۱۳ - در چکسلواکی، جایی که حزب اکثریت کارگرانی را که از نظر سیاسی، سازمان یافته اند به دور خود جمع کرد، وظایف کمونیست ها، از بعضی لحاظ شبیه به وظایف کمونیست های فرانسه است. حزب [کمونیست] چکسلواکی ضمن مستحکم کردن استقلال خود و گسستن آخرین رشته هانی که آن را به سانتریست ها وصل می کند، باید بداند چگونه شعار جبهه ی واحد پرولتری علیه بورژوازی را تعمیم داده و نقش حقیقی سوسیال-دمکرات ها و سانتریست ها یعنی عمال سرمایه داری را روشن سازد. کمونیست های

چکسلواکی باید هم چنین دخالتشان را در سندیکاها، که قدرت به مقیاس وسیعی در دست رهبران زرد [ارتجاعی سندیکائی] قرار دارد، تشدید کنند.

۱۴- در سوئد، نتایج آخرین انتخابات پارلمانی به یک حزب کمونیست اجازه می دهد که با تعداد کم اعضایش نقش مهمی باز کند. **M.Branting** رهبر عالی قدران انترناسیونال دوم، و در ضمن رئیس هیأت وزرای بورژوازی سوئد، در موقعیتی قرار گرفته که برای تشکیل اکثریت پارلمانی نظر فراکسیون پارلمانی کمونیست نمی تواند برایش بی تفاوت باشد. [کمیته ی] اجرائی [بین الملل کمونیست] معتقد است که در بعضی شرایط فراکسیون کمونیست نمی تواند از دادن پشتیبانی خود به حکومت منشویکی **M.Branting** امتناع ورزد، همان طوری که کمونیست های آلمان به درستی این کار را در مورد بعضی حکومت های محلی **Thuringe** کردند. ولی از این، به هیچ وجه نتیجه نمی شود که کمونیست های سوئد باید سرسوزنی از استقلالشان را رها کرده و یا از افشای ماهیت حقیقی حکومت منشویکی دست بردارند. بالعکس هر چه منشویک ها بیشتر قدرت داشته باشند، بیشتر به طبقه ی کارگر خیانت خواهند کرد. و کمونیست ها هم باید در افشای آن ها در مقابل توده های کارگر بیشتر بکوشند.

۱۵- در ایالات متحده آمریکا، وحدت تمام عناصر چپ جنبش سندیکائی و سیاسی کارگر شروع به تحقق یافتن می کند. بدین ترتیب کمونیست های آمریکا موقعیت آن را دارند که در توده های وسیع زحمت کش نفوذ کرده و مرکز تبلور این اتحاد چپ بشوند. با ساختن گروه هائی در هر کجا که یک عده کمونیست وجود دارند؛ کمونیست ها باید بتوانند رهبری جنبش اتحاد عناصر انقلابی را به دست بگیرند و ایده ی جبهه ی واحد را قویاً رواج دهند؛ (به

طور مثال، در دفاع از منافع بیکاران). اتهام اصلی ای که کمونیست ها باید به سازمان های M.Gonpers بزنند این است که این ها از تشکیل جبهه ی واحد پرولتری برای دفاع از بیکاران لجوجانه امتناع می ورزند. معهداً وظیفه ی اساسی حزب [کمونیست] این خواهد بود که بهترین عناصر I.W.W. را به خود جلب کند.

۱۶- در سوئیس، حزب ما تا کنون موفقیت های چندی در راهی که ما نشان داده بودیم، کسب کرده است. تبلیغ کمونیستی برای جبهه ی واحد بوروکراسی سندیکائی را مجبور کرده تا یک کنگره ی فوق العاده فرا بخواند. در این کنگره که در آینده ی نزدیکی باید تشکیل شود رفقای ما می توانند دروغ های رفرمیستی برملا ساخته و برای اتحاد انقلابی پرولتاریا، بیشترین فعالیت ممکن را سازمان دهند.

۱۷- در یک سلسله کشورهای دیگر، بنابر موقعیت های محلی مسأله به صورت کم و بیش متفاوتی مطرح می شود، ولی [کمیته ی] اجرائی [بین الملل کمونیست] معتقد است که بخش ها می توانند برحسب موقعیت های ویژه ی هر کشور، خط مشی عمومی ای را که در بالا ترسیم شد، به کار برند.

۱۸- کمیته ی اجرائی برای تمام بخش هائی که با احزاب انترناسیونال دوم و انترناسیونال دو ونیم قراردادی دارند، آزادی ادامه تبلیغات عقایدمان و انتقاد از مخالفان کمونیزم را به مثابه شرط مطلقاً اجباری لازم می شناسد. کمونیست ها در عین حال که انضباط تشکیلاتی آکسیون ها را قبول می کنند، می باید نه تنها قبل و بعد از آکسیون بلکه هم چنین در حین آن، حق و امکان ابراز نظریاتشان را درباره ی سیاست تمام تشکلات کارگری، بدون استثناء، مطلقاً محفوظ بدارند. در هیچ موقعیتی و تحت هیچ بهانه ای این شرط

نمی تواند نقض گردد. کمونیست ها در عین حال که در هر فعالیت عملی از اتحاد تمام سازمان های کارگری علیه جبهه ی سرمایه داری دفاع می کنند، از تبلیغ نظریاتشان، که تنها بیان منطقی منافع کل طبقه ی کارگر را تشکیل می دهد، نمی توانند صرف نظر کنند.

۱۹- کمیته ی اجرائی انترناسیونال کمونیست معتقد است که یادآوری تجارب بلشویک های روسیه که حزبشان تنها حزبی است که تا به امروز موفق به غلبه بر بورژوازی و تصاحب قدرت شده، به تمام احزاب برادر مفید می باشد. در پانزده سالی که از تولد بلشویزم تا پیروزی آن (۱۹۱۷-۱۹۰۳) طول کشید، بلشویک ها هرگز از جدال با رفورمیزم که همان منشویزم باشد، دست برنداشتند. ولی در همین مدت بلشویک ها چندین دفعه با منشویک ها موافقت نامه هائی بستند. اولین انشعاب رسمی در بهار ۱۹۰۵ اتفاق افتاد. ولی زیر فشار مقاومت ناپذیر جنبش پرتوان و وسیع کارگری بلشویک ها در همان سال با منشویک ها جناح مشترکی تشکیل دادند. دومین انشعاب رسمی در ژانویه ۱۹۱۲ اتفاق افتاد. ولی از ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۲، جدائی و اتحادها و موافقت های موقتی به طور متناوب صورت گرفت (در ۱۹۰۶، ۱۹۰۷، و ۱۹۱۰). اتحادها و موافقت ها صرفاً در نتیجه ی تغییر و تحولات در مبارزه بین جناح ها به وجود نیامده، بلکه خصوصاً تحت فشار توده های وسیع کارگر که به زنده گی سیاسی چشم گشوده بودند و می خواستند برای خودشان ببینند که آیا حقیقتاً راه منشویزم از انقلاب دور می شود، صورت گرفت. کمی قبل از جنگ امپریالیستی، جنبش جدید انقلابی که دنباله ی اعتصاب لنا Lena بود، تمایل شدیدی برای اتحاد در توده های پرولتاریا به وجود آورد که رهبران منشویزم سعی کردند از آن به نفع خودشان بهره برداری کنند، همان کاری که

امروز رهبران انترناسیونال "سوسیالیست" و رهبران انترناسیونال آمستردام می کنند. در این دوره، بلشویک ها از شرکت در جبهه ی واحد خودداری نکردند. کاملاً برعکس، برای خنثی کردن سیاست رهبران منشویک ها، بلشویک ها شعار "اتحاد از پایه" یعنی اتحاد توده های کارگر در فعالیت عملی انقلابی علیه بورژوازی را اتخاذ کردند. تجربه نشان داد که در آن جا این تنها تاکتیک صحیح بود. این تاکتیک که برحسب زمان و مکان تعدیل می شد موفق به جلب اکثریت بسیار بزرگی از بهترین عناصر پرولتار منشویکی به کمونیزم شد.

۲۰ - روشن است که انترناسیونال کمونیست با اتخاذ شعار جبهه ی واحد پرولتاری و با مجاز شناختن قراردادهای بین بخش های مختلف خود و احزاب و سندیکاها ی انترناسیونال دوم و انترناسیونال دو و نیم، خود نمی تواند از بستن قراردادهای مشابهی در سطح بین المللی خودداری کند. سر مسأله ی کمک به گرسنه گان روسیه، [کمیته ی] اجرائی به انترناسیونال سندیکائی آمستردام پیشنهاد اتحاد کرده است. و در رابطه با عمل مشترک علیه ترور سفید در اسپانیا و یوگسلاوی پیشنهاداتش را تجدید کرد. در حال حاضر، در مورد کارهای کنفرانس واشنگتن که صرفاً می تواند انفجار جنگ جدید امپریالیستی را تسریع کند، کمیته ی اجرائی به انترناسیونال سوسیالیست و انترناسیونال آمستردام پیشنهاد جدیدی عرضه می کند. اما رهبران این سه سازمان بین المللی نشان دادند که به محض این که پای عمل پیش می آید، آن ها شعار و وحدت کارگری را که خود داده بودند، کاملاً نفی می کنند. در نتیجه، وظیفه ی مشخص انترناسیونال کمونیست و بخش هایش آن خواهد بود که دورونی رهبران کارگری را که اتحاد با بورژوازی را به وحدت

کارگران انقلابی ترجیح می دهند، و به جای این که علیه کنفرانس امپریالیستی واشگتن به پیکار بپردازند، از طریق باقی ماندن در دفاتر انترناسیونال کار شانه به شانه ی جامعه ی ملل حتی در کنفرانس امپریالیستی واشگتن شرکت می کنند، نزد توده ها افشا کنند. اما رد شدن پیشنهادهایمان ما را مجبور به نفی تاکتیکی که تجویز می کنیم، نمی کند، تاکتیکی که عمیقاً مناسب با روحیه ی توده های کارگر بوده و می بایست منظمأ و مصرانه بسط یابد. اگر پیشنهادهای ما در مورد عمل مشترک رد شدند، باید جهان کارگری را مطلع ساخت تا بدانند خراب کاران واقعی وحدت جبهه ی پرولتری چه کسانی هستند. اگر پیشنهاداتمان قبول شدند، وظیفه ی ما تشدید و تعمیق مبارزات آغاز شده است. در هر دو صورت مهم خواهد بود طوری عمل کنیم که مباحثات کمونیست ها با سایر سازمان ها، توده های زحمت کش را بیدار کرده، توجه آن ها را جلب کند. زیرا باید حتماً توده های زحمت کش را به تمام تغییر و تحولات پیکار برای وحدت جبهه ی انقلابی تمام کارگران علاقه مند ساخت.

۲۱- با تثبیت این طرح عمل، [کمیتة ی] اجرائی توجه احزاب برادر را به خطراتی که ممکن است نتیجه شود جلب می کند. تمام احزاب کمونیست فاصله ی زیادی دارند تا به حد کافی مستحکم و سازمان یافته شده و ایدئولوژی های سانتریست و نیمه سانتریست را کاملاً مغلوب ساخته باشند. ممکن است زیاده روی شود و احزاب و گروه های کمونیستی را به بلوک های نامتجانس بی برنامه تغییر دهد. برای اجرای موفقیت آمیز تاکتیک توصیه شده، لازم است که حزب قویاً متشکل بوده و رهبریش با بصیرت کامل عقایدش، مشخص شود.

۲۲- حتی درون انترناسیونال کمونیست، در دسته جاتی که به غلط یا درست، به عنوان راست یا نیمه سانتریست می شناسیم، بدون شک دو جریان وجود دارد. اولی، هر چند که از ایدئولوژی و متدهای انترناسیونال دوم حقیقتاً آزاد شده، با وجود این نتوانسته خود را از احساس احترام نسبت به قدرت تشکیلاتی سابق، خلاص کند. و آگاهانه یا غیرآگاهانه، می خواهد پایه های وحدت ایده آل را با انترناسیونال دوم، و در نتیجه با جامعه ی بورژوازی، دوباره جستجو کند. دومی، که با رادیکالیزم صوری و اشتباهات به اصطلاح "چپ" می جنگد، می خواهد تاکتیک حزب کمونیست جوان را قابل انعطاف تر کرده و اختیار و امکان مانور دادن را به آن ببخشد تا توده های کارگر راحت تر وارد حزب شوند. تکامل سریع احزاب کمونیست گاهی این دو جناح را وادار کرده تا دوباره به هم ملحق شوند و حتی فقط یک جناح تشکیل دهند. به کار بستن دقیقانه ی متدهائی که در بالا مشخص شدند و هدفش پشتیبانی دادن به آژیتاسیون های کمونیستی در آکسیون های توده های متحد است، به استحکام انقلابی احزاب ما حقیقتاً کمک خواهد کرد. همان قدر که به عناصر ناشکیبا و سکتاریست تعلیم تجربی می دهد به همان نسبت از وزنه ی مرگ بار رفورمیزم خلاصشان می کند.

۲۳- از اتحاد جبهه ی پرولتری، می باید مفهوم اتحاد تمام کارگرانی را که خواهان جنگ با سرمایه داری هستند فهمید. در نتیجه شامل کارگرانی که هنوز پیرو آنارشیزم ها و سندیکالیست ها هستند نیز می شود. در کشورهای مختلف، این عناصر می توانند به طور مفیدی در آکسیون های انقلابی شرکت کنند. از بدو آغاز، انترناسیونال کمونیست همیشه اتخاذ رویه ای دوستانه نسبت به این عناصر کارگر را که بر پیش داوری های خود به تدریج فائق

می آیند و کم کم به کمونیزم جذب می شوند، توصیه کرده است. کمونیست ها باید از این پس به همان نسبت که جبهه ی واحد علیه سرمایه داری در راه تحقق است، به این عناصر بیشتر توجه کنند.

۲۴- جهت تعیین قطعی کار بعدی در شرایط مشخص شده، [کمیته ی] اجرایی تصمیم دارد در آینده ی نزدیک یک مجمع فوق العاده فرا بخواند که در آن تمام احزاب عضو توسط تعداد نمایندگانی دو برابر تعداد همیشه گی نمایندگی خواهند داشت.

۲۵- کمیته ی اجرایی بیشترین توجه را به تمام اقدام های عملی انجام شده در راهی که مشخص کرده و معطوف خواهد داشت. و از احزاب مختلف می خواهد که آن را از جزئیات تمام اقدامات شان در این زمینه و تمام نتایج حاصله مطلع سازند.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴